



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۰/۱۰

م. عارف عباسی

اسلام آباد جای صلح نیست!



«دونالد ترامپ» رئیس جمهور امریکا خبط بزرگ سیاسی خود را با اعلان فوتی مذاکرات صلح پوشاند، گرچه آقای خلیل زاد مطابق دستور وزارت خارجه و حلقات سیاسی توافق نامه را ترتیب و آماده امضاء ساخته که به حیث سند خروج پذیرفته شده بود.

رئیس جمهور امریکا نگفت که مذاکرات نظر به دلایلی برای مدتی به تعویق افتاد، که درب دوام مذاکرات نیمه باز نگهداشته می شد، ولی او به طور قاطع گفت «مذاکرات صلح با طالبان مُرد». برداشت سیاسیون و بیگانگان سیاست از این گفتار یک سان بود که دیگر امریکا با طالب دور میز مذاکره نخواهد نشست.

ترامپ را نیت چه بود؟

کسب شهرت و اعتبار در انتخابات سال ۲۰۲۰ ریاست جمهوری با موفقیت در ایفای تعهد مبارزاتی اش با اختتام جنگِ دراز مدتی را که اسلاف او آغاز و دوام دادند.

ترامپ می خواست این دست آورد را بسیار با شکوه و پر طنطنه جلوه دهد، ولی در انتخاب محل و زمان آن اشتباه نمود (کمپ دیوید و ۱۱ سپتمبر) که تأثیرات ناگوار سیاسی و روانی در ارتباط با القاعده و طالبان بر عوام الناس داشت، و مخالفت اعضای کابینه و مشاورینش را بار آورد (مشاور امنیت ملی معزول شد) و غرض روپوشی این سطحی نگری و خبط سیاسی، ترامپ کشته شدن یک عسکر امریکایی را توسط حمله طالبان بهانه تراشیده مرگ مذاکرات صلح را اعلان نمود. ورنه از طالبان در مقری پذیرایی می شد که زمام داران مشهور غرض یافتن راه حل سیاسی مهمترین منازعات در آن محل جلسه نمودند. اما برای ترامپ این که طالب کی بود؟ و به چه پیمانانه خون افغان و امریکایی و متحدینش ریخته و چه خساراتی به امریکا وارد

نموده و توسط کدام مراجع حمایه، تمویل و تسلیح شده مفهوم نداشتن آن ها را وسیله رسیدن به هدف خود به حیث یک جناح سیاسی قبول کرد.

گرچه سیاست در بنیاد و اساس فن چال، فریب، خدعه و تزویر است، به اصطلاح ما مردم، سیاست پدر و مادر ندارد. ولی سیاسیون جهان تا حدی پایبند اصول اخلاقی و تعهدات خود بوده و در تعقیب اهداف ثابت قدم بودند تلون مزاج ناکامی در سیاست بار آورده به اعتبار و حیثیت سیاست مدار صدمه وارد می کند.

ولی این اصول در همین زمام داری امریکا رو به تزلزل است و ثبات موقف و عقیده وجود ندارد. و سیاست به صوب ابتدال مسیر یافته، امروز تصمیمی گرفته می شود و فردا تغییر می کند. بدین ملحوظ اعتبار و عقیده داشتن به یک تصمیم مقام عالی سیاست امریکا خود فریبی است.

این که عمران خان صدراعظم پاکستان در دیدار خود با ترمپ در حاشیه مجمع عمومی سالانه ملل متحد بالاخص در مورد مذاکرات با طالبان چه گفت کس نمی داند. چرا وزارت خارجه پاکستان ابتکار عمل را به دست گرفته مذاکرات رسمی را با طالبان شروع نمود، در حالی که طالبان شب و روز با پاکستان در تماس اند. و باز چگونه پاکستان صفحه مذاکرات بین الافغانی را می گشاید، در حالی که پاکستان طالبان را اتباع افغانستان و یک جریان مستقل الرأی معرفی نموده و مانع به رسمیت شناختن حکومت افغانستان می گردد.

دلیل سفر زلمی خلیل زاد در این مقطع حساس سیاسی چیست؟

اگر کدام عضو پائین رتبه هیأت مذاکره کننده امریکا به پاکستان می رفت از لحاظ سیاسی حائز اهمیت خاص نبود. ولی نماینده خاص امریکا بعد از فسخ مذاکرات صلح چرا پاکستان می آید؟ آیا این خود مبین تغییر موقف امریکا در قبال مذاکرات است و یا اعطای نیابت به پاکستان غرض تداوم مذاکرات و زمینه سازی برای دو بخش معلق در توافق نامه کنونی، (آتش بس و چگونگی تشکل دولت آینده افغانستان) است.

گمان بر این است که امریکا صرف تعهد غیر واقعی و غیر عملی طالبان را وسیله قرار داده و شال خود تکانده، خود را از این منجلا ب می رهند.

اگر اسلام آباد تعویضی برای دوحه باشد و پاکستان برای اجلاس بین الافغانی وسیله سازی کند این خود خیانت بس سترگی در حق ملت افغانستان است. اسلام آباد (کافرآباد) که در آن به طور علنی طرح های قتل عام مردم و بربادی و تباهی افغانستان ریخته شده چگونه برای آمدن صلح در افغانستان زمینه سازی می کند و باز کدام گروه وطن فروش وجدان فروخته، فاقد عزت و کرامت و احساس ملی به نام سیاسیون مطرح مثل ماسکو به دستور خلیل زاد اسلام آباد خواهند رفت؟

می توان بر اجساد مردگان پا ماند و برای امیال و خواهشات بیگانگان کمر خدمت بست. در حالی که تا هنوز این ملت زنده است و تا ابد ابر قدرتی با نوکرانش با سرنوشت این وطن چنین بی باکانه بازی نمی

تواند. امریکا نه در آمدن از ما اجازه خواسته بود و نه در خارج شدن نیازی به رخصت گرفتن از ما دارد. هر زمانی لازم دید بار و بستره ببندد و برود ولی بگذارد آن چه از ما است و مربوط ما است ما خود فیصله کنیم. از این به بعد افغانستان یگانه جایی برای حل مشکلات و منازعات ما بوده، طالب خود را بی موجب سرگردان نساخته در همین خاک با نمایندگان اصیل اقوام برای صلح و اسکان شان در این وطن مذاکره کند. و اگر راه جنگ و خون ریزی پیشه کرد این ملت به پا برخواهد خاست و از وطن خود دفاع خواهد کرد.

عمران خان تحت هیچ نوع شرائطی حق مداخله را به حیث میانجی کاذب در امور افغانستان نداشته و اسلام آباد محلی نیست که صلح افغانستان در آن دستیاب شود.

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

اسلام آباد جای صلح نیست

A_abassi_islam_abad_djaaye_solh_nest.pdf